

# رونق دوباره بازار

بازار نشریات و روزنامه‌های اسلامی در ترکیه بار دیگر رو به رونق نهاده است. امروزه بر شمار این نشریات و روزنامه‌ها به نحو بسیار چشمگیری افزوده شده، و کیفیت و طرح و نحوه ارائه آنها به میزان کاملاً قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته است.

در سال ۱۹۳۴ تنها ۱۷ درصد از کل عناوین کتابهای منتشره را کتابهای اسلامی تشکیل می‌داد، در حالیکه امروزه این نسبت به ۷ درصد افزایش یافته و علاوه بر آن، طی ۳۵ سال گذشته تعداد ناشران آثار اسلامی در ترکیه ده برابر شده است. در سالهای اخیر تیراژ کتابهای اسلامی و علی‌الخصوص کتب تفسیر و حدیث که طالبان بسیاری در این کشور دارد، نیز بسیار افزایش یافته است. در سال ۱۹۸۵ از کتاب *احیاء علوم الدین* غزالی ۲۰۰۰۰۰ نسخه، از کتاب *حیة الصّحابة* کاند هلوی ۸۰۰۰۰ نسخه، و از کتاب *جدی ولی کم و بیش محدود و مختصر علی رضا دمیر چن (Demircan) تحت عنوان Islam'a Gore Ginsel Hayat* (= «مسائل جنسی و زناشویی در اسلام»)، ۱۲۰۰۰۰ نسخه به فروش رفته است.

مجلات اسلامی نیز به نحو فزاینده‌ای مورد اقبال و عنایت خوانندگان ترک قرار گرفته و به میزان بسیار زیادی بر فروش آنها افزوده شده است؛ البته گفتنی است که روزنامه‌های اسلامی ترکیه با چنین اقبالی مواجه نبوده‌اند. از کل تیراژ روزانه ۲۷۹۰۰۰۰ نسخه روزنامه‌ای که در نوامبر ۱۹۸۵ انتشار یافته بوده، متوسط تیراژ روزنامه‌های اسلامی، یعنی *Turkiye* (= «ترکیه»)، *Milli Gazete* (= «روزنامه ملی»)، و *Yeni Nesil* (= «نسل جدید»)، ۱۰۰۰۰۰ نسخه بوده است.

ترکیه پیشینه‌ای طولانی در زمینه نشر کتاب و روزنامه دارد. نخستین ماشین چاپ را مهاجران یهودی تبعیدشده از اسپانیا وارد این کشور کردند، و نخستین چاپخانه در سال ۱۴۹۴ میلادی، یعنی

و خبرگی انجام دهد. هر گاه می‌خواهید به نویسنده پیشنهاد کنید که مطالب کتاب یا مقاله‌اش را به شیوه دیگری بیان کند خواننده را مجوز این دگرگونی قرار دهید. حتی الامکان بر حقایقی تکیه کنید که پژوهشهای مربوط به خوانندگان آشکار ساخته‌اند.

گاهی از اوقات مرتبه اجتماعی ویراستار در برابر ویرایش مؤثر و برقراری روابط متعادل با نویسنده مشکل ایجاد می‌کند. این امر معمولاً هنگامی پیش می‌آید که نویسنده کتاب سرپرست ویراستار نیز باشد. در دانشگاهها و محیطهای پژوهشی بسیار محتمل است که ویراستار لیسانسیه یا فوق لیسانسیه‌ای نتواند آن طور که شاید و باید از خبرگی ویراستارانه‌اش در برابر نویسنده‌ای دفاع کند که درجه دکترا دارد. به ویژه اگر او تازه به اخذ این درجه نایل شده باشد. در چنین وضعیتی واضح است که ویراستار نباید جا بزند، یا اعتراف کند که فرودست تر از نویسنده است، بلکه باید روشن سازد که خبرگی او در حوزه ویرایش از همان ارزش و اعتباری برخوردار است که دانش نویسنده در حوزه علمی خاص خود ارزشمند و معتبر است. او در همان آغاز کار باید ضوابط کار را معلوم کند و توضیح بدهد که بر چه اساس و با چه شیوه‌ای به ویرایش اثر خواهد پرداخت. تجربه نشان داده است که هر گاه لازم باشد از رویه ویرایش به دفاع پرداخت یا توضیح داده شود که بهترین رویه چیست، بهتر است از یک خبره بیطرف استفاده نمود تا به حمایت سر ویراستار یا مدیران دیگر چشم داشت.

سخن آخر اینکه زنان ویراستار نباید تصور کنند که مردسالاری امری است متعلق به گذشته. آنان بد نیست به خود بقبولانند که برخی از مردان احترامات ایشان را به نحو شایسته‌ای رعایت نخواهند کرد، مخصوصاً اگر حکم ریاست در جیب داشته باشند. این مشکل را نیز فقط در صورتی می‌توان حل کرد و روابط ویراستار و نویسنده را تحت نظم و قاعده صحیح در آورد که در مورد نقش ویراستار و روند ویرایش هیچ کوتاه نیایم. زنی که با چنین وضعیتی روبرو می‌شود عاقلانه آن است که در زمین خودی به نبرد ویرایشی بپردازد نه در دفتر کار حریف؛ اطمینان حاصل کند که از حمایت سر ویراستارش برخوردار خواهد بود؛ به خاطر جنسیتش آشکارا حالت دفاعی به خود نگیرد؛ ولی از خبرگی ویراستارانه‌اش دفاع کند.

مهمتر از همه اینها، ویراستار باید حد ظریفی را بشناسد و به دقت ملحوظ بدارد که متانت را از جسارت، و جسارت را از پرخاشگری متمایز می‌سازد.

\* مشخصات کتابشناسی اصل این مقاله:

Lloyd R. Bostian, «Working with writers», *Scholarly Publishing: A Journal for Authors & Publishers*. January 1986, pp. 119-126.

# شریات اسلامی

## در ترکیه

نوشته احمد کورت  
ترجمه مرتضی اسعدی



می آمد. نخستین روزنامه ترکی زبان ترکیه، که تا چند صباحی نیز روزنامه رسمی این کشور به شمار می رفت، روزنامه *Takvim-i Vekayi* (= «تقویم وقایع») بود که در سال ۱۸۳۱، در ایام حکومت سلطان محمود دوم، در استانبول انتشار یافت.

سرانجام نخستین روزنامه غیر رسمی ترکی زبان این کشور در سال ۱۸۴۰ میلادی منتشر شد؛ انتشار این روزنامه که خود حاصل صدور «فرمان تنظیمات» در سال ۱۸۳۹ بود، تا حدود بسیار زیادی به پرورش و تربیت روزنامه نگاران باذوق و مستعدی که بعدها به مقامات عالی دولتی رسیدند، کمک کرد. این روزنامه با نام *Ceride-i Havadis* (= «جریده حوادث»)، به همت یک بازرگان انگلیسی مقیم استانبول، به نام ویلیام چرچیل (William Churchill) تأسیس شده بود.

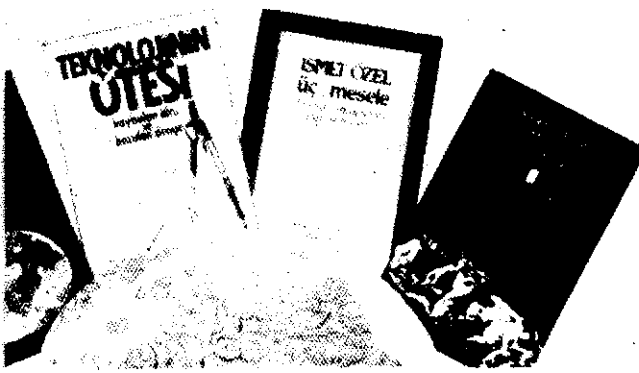
در سالهای میان ۱۸۳۹ تا اعلام جمهوری ترکیه [۱۹۲۳] تعداد بسیار زیادی روزنامه و مجله در ترکیه منتشر می شد که در آنها به تبلیغ آراء اسلامی و ملی گرایانه می پرداختند؛ این روزنامه ها و مجلات، که بیشترشان نیز گاه به گاه به چنگال سانسور گرفتار می آمدند و به محاق توقیف و تعطیل می افتادند، به روشنی نشان دهنده نضج و تکوین جریان غرب گرایی در ترکیه بودند. من باب نمونه، از میان این روزنامه ها و مجلات، می شود به نشریه *میزان* (*Mizan*) مُرادبی (یا مرادبگ) که منادی و مبلغ ضرورت اصلاحات اساسی در امپراتوری عثمانی بود، اشاره کرد.

طنین و تأثیر مقالات نخستین نویسنده تحصلی مشرب و طبیعت گرای ترک، یعنی بشیر فؤاد، نیز که در روزنامه اقدام (= *İkdam*) چاپ می شد، تا چهار دهه بعد همچنان محسوس بود. سالهای میان ۱۹۰۸ تا ۱۹۲۳ میلادی، از نظر تأثیراتی که نشریاتی نظیر *گنج قلم کُر* (= *Genc Kalamler*) عمر سیف الدین، ینی مجموعه (= *Yeni Mecmua*) ضیا گوک آلپ، اتحاد (= *İttihad*)

درست ۴۱ سال پس از فتح قسطنطنیه، و ۳۹ سال بعد از گوتنبرگ، در این کشور تأسیس شد: در این سال برادران دیوید و ساموئل [= شموئیل] ناهمز (David and Samuel Nahems) پنج جلد کتاب به نام «کتاب موسی پیامبر» (*The Book of Prophet Moses*) را در استانبول چاپ کردند. بعداً به تدریج چاپخانه های دیگری توسط سایر یهودیان و ارمنیها در این کشور تأسیس شد. بنابر منابع قابل اعتمادی که در دست است، بین سالهای ۱۴۹۴ تا ۱۷۲۹ میلادی کلاً ۳۷ چاپخانه توسط اقلیتهای قومی و هیئت های تبلیغی خارجی در ترکیه دایر شده بود که همه آنها، برای آنکه نان هزاران افزارمند ماهری را که از راه کتابت و استنساخ کتابهای ترکی امرار معاش می کردند، نبرند، تنها کتابهایی را که به زبانهای غیر ترکی بود چاپ می کردند.

این وضع همچنان ادامه داشت، تا آنکه در قرن ۱۸ میلادی تأسیس چاپخانه هایی برای چاپ کتاب به زبان ترکی به صورت مسأله ای حیاتی برای این کشور درآمد، و این امر سبب گردید ابراهیم متفرقه و سعید افندی، پسر ایبرمی سکیز محمد چلبی (= *Yirmisekiz Mehmet Celebi*)، سفیر عثمانی در پاریس، درصدد برآیند تا از سلطان عثمانی اجازه تأسیس یک چاپخانه ترکی زبان را در استانبول بگیرند؛ این چاپخانه نوظهور در سال ۱۷۲۷ میلادی تحت نظارت عالی سلطان احمد دوم به وجود آمد، و طی دو ماهه نخست کارش اولین کتاب خود را، تحت عنوان *Vankulu Dictionary* به بازار فرستاد.

تا آنجا که معلوم است، نخستین روزنامه ترکیه در سال ۱۷۹۵ میلادی، با نام *Bulletin des Nouvelles*، انتشار یافت، ولی این روزنامه که به زبان فرانسه منتشر می شد، چندان دوام نیافت. روزنامه فرانسوی زبان دیگری نیز با نام *Oriental* در از میر چاپ می شد که در واقع نخستین روزنامه غیر رسمی ترکیه به حساب



دکتر عبدالله جودت، ثروت فنون (= *Servet-i-Funun*) علی احسان توق گوز به بار آوردند، حایز اهمیت بود. در همین دوره، علی الخصوص دو نشریه صراط مستقیم (= *Sirat-i-Mustakim*) و سبیل الرشاد (= *Sebil'ur Resad*) مبلغ اسم و رسم دار آراء اسلامی بودند. با این حال، تا سال ۱۹۲۵، یعنی تا بعد از شورش شیخ سعید در منطقه شرقی ترکیه، تحدیدات و تضییقات شدید و عجیب و غریبی بر رسانه‌های ترکیه تحمیل می‌شد، و بسیاری از نشریات مهم این دوره نیز توسط حکومت ترکیه توقیف و تعطیل شدند. بالأخره در سال ۱۹۴۳ نخستین واکنش روشنفکرانه واقعی مسلمانان در قبال حکومت ترکیه با حرکت شاعر مشهور و برجسته ترک، نجیب فاضل قیساکوزک، که با همکاری برخی دیگر از روشنفکران مسلمان نشریه *Buyuk Dogu* (= «شرق بزرگ») را منتشر کرد، تحقق یافت. ضمناً نباید در این میانه از نقش و تأثیر روزنامه اسلامی *Bugun* (= «امروز») بر توده مسلمانان ترکیه غافل بود. صاحب امتیاز و سردبیر این روزنامه، محمد شوکت ایگ (?)، که در دانشکده علوم سیاسی تحصیل کرده بود، علاوه بر روزنامه «امروز»، صاحب چاپخانه‌ای به نام «بدر» (= *Bedir*) نیز بود که منحصراً در زمینه نشر متون کهن اسلامی و کتب دینی فعالیت می‌کرد. انتشار روزنامه «امروز» با اقبال بسیار چشمگیر مسلمانان مواجه شد، و این روزنامه، به عنوان نخستین روزنامه در نوع خود، توانست به تیراژ روزانه ۱۰۰۰۰۰ نسخه دست یابد.

مهمترین حادثه از نظر روشنفکری در دهه ۱۹۶۰ میلادی، تأسیس ماهنامه *Dirilis* (= «رستاخیز») توسط سزایی قاراوج، شاعر برجسته و مشهور ترک، بود. در دهه ۱۹۷۰ نهضت اسلامی در نشریات ترکیه، با تأسیس «حزب رستگاری ملی» (= *Milli Selamat Partisi*) به نقطه عطف دیگری رسید، و دو روزنامه اسلامی *Yeni Devri* (= «عصر جدید») و *Milli Gazete* (= «روزنامه ملی») شروع به کار کردند؛ روزنامه «عصر جدید» به عنوان سخنگوی روشنفکران مسلمان، و «روزنامه ملی» به عنوان ارگان «حزب رستگاری ملی» منتشر می‌شد. انتشار روزنامه «عصر جدید» پس از چندی در تنگنای شرایط و احوال حاکم بر کشور، ناگزیر متوقف شد، ولی «روزنامه ملی» که تیراژ اندکی هم داشت، هنوز هم به عنوان بولتن خبری روزانه «حزب رفاه» انتشار می‌یابد؛ «حزب رفاه» را همان گروه «حزب رستگاری ملی»، به دنبال ممنوعیت فعالیت همه احزاب سیاسی موجود کشور توسط حکومت ترکیه بعد از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰، تأسیس کرده‌اند.

علی‌ای حال، از سال ۱۹۸۴، یعنی با دایر شدن مؤسسه انتشاراتی *İnsan* (= «انسان») توسط «گروه دوشونجه» (= تفکر)،

به مدیریت علی بولاج، نشر آثار اسلامی در ترکیه دیگر باره روبه رونق گذاشت؛ مؤسسه مزبور ترجمه ترکی آثاری از مالک بن نبی، مورس بوکای، مارتین لینگز، سید حسین نصر، محمد اسد، ضیاءالدین سردار، و سایر نویسندگان برجسته مسلمان را چاپ و منتشر کرده، و اخیراً درصدد برآمده مناظره‌ای قلمی میان طرفداران جنبشهای سلفیه و صوفیه در ترکیه به راه بیاندازد؛ زیرا عقیده بر این است که تصوف ریشه‌هایی عمیق و سنت فکری نیرومندی در این سرزمین دارد و نیروی معتنابهی در جامعه ترکیه به حساب می‌آید، اما این آراء سلفی است که در ستردن مفاهیم غیراسلامی از حوزه سنت اسلامی کمال اهمیت را دارد. سایر گروههای جدی روشنفکری نیز مؤسسات انتشاراتی مهمی دایر کرده‌اند، که از آن میان می‌توان از انتشاراتیهای *Inkilap* (= «انقلاب»)، *Bir* (= «یک»)، و *Beyan* (= «بیان») نام برد. کتابهایی که این مؤسسات منتشر می‌کنند با اقبال قابل ملاحظه نسل جوان ترکیه مواجه شده است، و این حرکت را در مجموع می‌توان طلوع نهضت فکری جدیدی در این کشور تلقی کرد.

مؤسسه انتشاراتی *Dergah* (= «درگاه») نیز نقش مهمی در شکل‌گیری اندیشه اسلامی در میان مسلمانان ترکیه ایفا کرده است. گرداننده اصلی این مؤسسه متفکر ملی‌گرای ترک، نورالدین توپچو، است که به تلفیق و تألیف آرای ملی‌گرایانه با اسلام گرایش دارد، و آثاری که منتشر می‌کند از متون کهن اسلامی و صوفیانه، نقد ادبی، و تحقیقات اقتصادی، تا آثار دایرة‌المعارفی را در بر می‌گیرد. این مؤسسه علاوه بر آهات آثار متصوفه، نظیر کتاب *التعرف کلابازی*، آثار عمده ابن خلدون، ابن رشد، و ابن تیمیه را نیز منتشر کرده است. «دایرة‌المعارف زبان و ادبیات ترک» نیز در همین مؤسسه در دست تهیه و تدوین است؛ این دایرة‌المعارف به ۸ جلد خواهد رسید و احتمالاً بعد از اینکه تکمیل شد مهمترین منبع موجود در این زبان برای تحقیق در زمینه زبان و ادبیات ترکی خواهد بود.

تحول جالب توجه دیگری که اخیراً در بازار نشر و نشریات ترکیه روی داده ورود طریقه‌های صوفیانه (اخوتها) به میدان نشر مجلات و کتب این کشور است. یک گروه نقشبندی اخیراً سه

مجله منتشر می کند، که یکی شان، تحت عنوان *Him va Sanat* (= «علم و صنعت») هر پانزده روز یک بار، و دوتای دیگر شان، با عناوین *Kadin ve Aile* (= «زن و خانواده») و *Islâm* (= «اسلام»)، به طور ماهانه انتشار می یابند. تیراژ ماهنامه «اسلام» از تیراژ همه مجلات اسلامی دیگر ترکیه بیشتر است، و در هر شماره به ۱۱۰۰۰۰ نسخه می رسد. نشریه «علم و صنعت» نیز در میان روشنفکران و دانشجویان مسلمان ترکیه مخاطبان فراوانی دارد. سایر نشریات و مجلات اسلامی نظیر *Icmal* (= «إجمال»)، *Mektup* (= «مکتوب»)، و *Selam* (= «سلام»)، نیز عمدتاً در میان متصوفه طرفدار و خواننده دارد.

از جمله پرخواننده ترین کتابهای ترکیه کتابهای محقق برجسته و صاحب نام ترک، بدیع الزمان سعید نصری است؛ وی در تلاش برای تأمین هدف اصلی اش که همانا تحکیم اعتقادات اسلامی در میان مردم ترکیه است، به تفسیر قرآن از طریق استشهاد و استناد به پدیده های طبیعی و علمی توسل می جوید. چاپ و نشر کتابهای موسوم به «رساله نور» (= *Risali-Nur*) نیز که بیشتر، به لحاظ ممنوعیت انجام مراسم و آیینهای دینی در قانون جزای ترکیه، سالیان درازی ممنوع انتشار بودند، و خوانندگان و دارندگان آنها دایماً در معرض بازداشت و محاکمه بسر می بردند، امروزه کاملاً آزاد است و هیچ گونه محدودیتی در مورد آنها اعمال نمی شود. دو گروه از ناشران «رساله نور» دو ماهنامه، به ترتیب تحت عناوین *Sizinti* (= «احساس») و *Zefar* (= «ظفر») منتشر می کنند که تیراژ هر کدام کمتر از ۳۰۰۰۰ نسخه نیست.

به لحاظ رشد تعداد کثیری از گروههای سیاسی و دینی در ترکیه، که هر کدام هم روزنامه و نشریه ای خاص خود دارند، امروزه میان مؤسسات انتشاراتی این کشور، که هر کدام می کوشند سهم بیشتری از بازار کتاب ترکیه را به خود اختصاص دهند، رقابت شدید و بی امانی جریان دارد. بسیاری از این مؤسسات برای جلب و جذب خوانندگان هر چه بیشتر حتی از روشهایی نظیر راه انداختن لاتاری و بخت آزمایی، و تقسیم جوایزی میان خوانندگان خود استفاده می کنند. در کشاکش این رقابتها، مؤسسات انتشاراتی اسلامی تا حدود بسیار زیادی عقب افتاده اند، زیرا توسل به بسیاری از این روشها و دوز و کلکها که ناشران غیر اسلامی برای افزایش فروش خود ابایی از تمسک به آنها ندارند، از نظر انتشاراتیهای اسلامی نامشروع تلقی می شود. باتوجه به آهنگ شتابناک غربگرایی در ترکیه طی بیست سال اخیر، و باتوجه به اینکه تلویزیون ترکیه نیز برنامه های خود را حول محور تبلیغ شیوه زندگی غربی و مآلاً سیر دادن ترکیه در راه آن جوامع، متمرکز کرده است، روزنامه ها، مجلات و سایر نشریات «موفق» در این کشور همانهایی تلقی می شوند که بتوانند

اشتیاق فزاینده توده های مردم ترکیه به تقلید و اقتباس هر چه بیشتر از فرهنگ و ارزشهای غربی را ارضاء نمایند. برای مثال، سردبیران جراید ترکیه، به تقلید از همتایان غربی خود، دریافته اند که برای جلب خوانندگان بیشتر، هیچ کاری به پای استفاده از تصاویر زنان نیمه برهنه نمی رسد، و برای افزایش میزان فروش هیچ حیل و حربه ای با چاپ تصاویری از این دست برابری نمی کند. بدیهی است که در این بازی، روزنامه های ایدئولوژیک بازنده اند، و به همین دلیل سرعت بازار خود را از دست می دهند. فی المثل، حتی اگر روزنامه های چپ گرایی نظیر *Cumhuriyet* (= «جمهوریت») یا *Tercuman* (= «ترجمان») نخواهند که به هیچ قیمتی از اصول آرمانی و ایدئولوژیک خود عدول کنند، در آن صورت دیگر نخواهند توانست توجه خوانندگانی را که هر روزه بیشتر از پیش به نشریات سبک غربی و مجلات سست و بی مایه ولی پر زرق و برق و خوش فروش روی می آورند، جلب نمایند.

علاوه بر این، یکی از دلایل دیگر عدم توفیق نشریات اسلامی در ترکیه آن است که این نشریات از تکنولوژیهای جدید بی بهره مانده اند. ناشران این مجلات عموماً به نحو نگران کننده ای از قبول و درک اهمیت اتخاذ تکنولوژیهای ارتباطی نوین غافلند و سرسختانه به همان تکنیکهای عقب افتاده طبع و نشر چسبیده اند. این تشکیلات و کارکنان و گردانندگان آنها شدیداً از هماهنگ ساختن خود با سرعت شتابنده تکنولوژی ارتباطی امروزی درمانده اند.

از همین رو، اگر چه بازار مجلات و نشریات اسلامی ترکیه طی سالهای اخیر شاهد رونق امیدبخش دوباره ای بوده است، اما دوام و استمرار این رونق موقوف به جهشی جدی در اندیشه و جهان نگرایی سردبیران و ناشران آنهاست. اگر نشریات اسلامی نتوانند خود را برای رقابت در جهان تکنولوژی مطبوعاتی پیشرفته امروز، سریعاً متحول و آماده کنند، بی شک خوانندگان خود را پیش از پیش از دست خواهند داد، و از آن مهمتر اینکه اصلاً کل موجودیت آنها به لحاظ مسائل اقتصادی در معرض مخاطره قرار خواهد گرفت. و بی شک چنین رویکردی مایه تأسف خواهد بود، چرا که نه تنها باعث خواهد شد که بذلهای فکر اسلامی در ترکیه هرگز بارور نشود، بلکه موجب می شود که پیوند ظریف و حساس و دیرینه مردم ترکیه با سنت و فرهنگ و دیانتشان نیز از میان برود.

\* این مقاله اقتباسی است از:

Kot, Ahmet. «Muslim Mags Multiply», in *Afkar Inquiry: Magazine of Events and Ideas*. Vol. 3, No. 2, February 1986, pp. 30-31.